

مدل‌یابی معادلات ساختاری ارتباط دینداری و شیوه‌های فرزندپروری با معنا

در زندگی مبتنی بر میانجی‌گری سبک‌های هویت در نوجوانان دختر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

مهرداد کلانتری^{*۱}

حمیدطاهر نشاط دوست^۲

حمید رضا عریضی^۳

امیدعلی باپیری^۴

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تبیین نقش دینداری و شیوه‌های فرزندپروری بر معنا در زندگی با میانجی‌گری سبک‌های هویت در نوجوانان دختر از طریق الگوسازی معادلات ساختاری است. **روش:** این مطالعه از نوع همبستگی با استفاده از مدل‌یابی علی بود. جامعه آماری دانش‌آموزان سال سوم دوره دبیرستان به تعداد ۴۴۷۶ نفر بودند. نمونه آماری ۲۰۰ نفری به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه دینداری (گلاک و استارک، ۱۹۶۵) شیوه‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۷۳) سبک‌های هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹) و معنا در زندگی (استگر و همکاران، ۲۰۰۶) بود. داده‌ها با رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری بررسی شد.

یافته‌ها: یافته‌ها بیانگر آن بود که اثر مستقیم متغیرهای دینداری، شیوه فرزندپروری و سبک‌های هویت بر متغیر معنا در زندگی، در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر غیر مستقیم متغیر دینداری بر متغیر معنا در زندگی در صورتی که متغیر سبک‌های هویت میانجی باشد، معنادار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در دختران نوجوان معنا در زندگی از طریق متغیرهای دینداری، شیوه فرزندپروری و سبک‌های هویت قابل پیش‌بینی است. و مدارس می‌توانند در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود برای پرورش احساس معناداری در دانش‌آموزان روی این مولفه‌ها تاکید نمایند. **کلمات کلیدی:** معنا در زندگی، شیوه فرزندپروری، دینداری، سبک‌های هویت، نوجوانان

۱. دکترای روان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول: mehrdadk@edu.ui.ac.ir

۲. دکترای روان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دکترای روان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

The Structural Equations modeling of Relationship between Religiosity and Parenting Styles with Meaning in Life based on Identity Styles in Female Adolescents

Mehrdad Kalantari^{1*}

Hamid Taher Neshat Dost²

Hamid Reza Oreyzi³

omid ali bapiri⁴

Abstract

Interoduction: The purpose of this study was to explain the effect of religiosity and parenting style on meaning in life by mediating of identity style in female adolescent through structural equations modeling.

Method: This is a correlation study using causal modeling. The statistical population of the study was 4476 students in the third year of high school. A sample of 200 people was selected through multistage cluster random sampling. Measurement tools included a religiosity questionnaire (Glock & Stark, 1966), identity style (Berzonsky, 1989), Parenting Style (Baumrind, 1991), and meaning in life questionnaire (Steger et al., 2006). Data were analyzed using structural equation modeling approach.

Results: The findings indicated that the direct effect of the variables of religiosity, parenting style and identity style, on the meaning variable in life was significant. Also, the indirect effect of religiosity variable on meaning in life is significant if the variable of identity style is a mediator.

Conclusion: Consequently, meaning in life is anticipated through religiosity, parenting style, and identity style. Schools can emphasize on these components in their educational programs to foster meaningful feelings among students.

Keywords: meaning in life, religiosity, parenting style, identity style, female adolescent

1. Department of Psychology, University of Isfahan, Iran

* Corresponding Author: mehrdadk@edu.ui.ac.ir

2. Department of Psychology, University of Isfahan, Iran

3. Department of Psychology, University of Isfahan, Iran

4. PhD student in psychology, University of Isfahan, Iran

مقدمه

پژوهش در روان‌شناسی مثبت عوامل محافظتی را شناسایی کرده که به بهزیستی روان‌شناختی انسان‌ها کمک می‌کنند. یکی از این عوامل معنا در زندگی است که در تعیین استرس‌آمیز بودن رویدادها و کمک به مقابله با استرس‌ها نقش مهمی را ایفاء می‌کند (بکن کامپ، گروتف، بلومرز و تومیک^۱، ۲۰۱۴). این باور که معنا در زندگی یک سازه مهم برای سلامت روانی است، جدید نمی‌باشد. در نیمه اول قرن بیست فرانکل^۲ (۱۹۸۴) از این عقیده که داشتن حس معنا در زندگی هم یک عامل پیشگیرانه و هم حفاظتی برای انسان در مقابله با درد و رنج وجودی است، دفاع کرد. مارتلا و استگر^۳ (۲۰۱۶) اظهار داشته‌اند که معنا در زندگی از سه جزء تشکیل شده است. اولین جزء انسجام است که جزء شناختی معنا در زندگی است که با فهم مردم از جهان و توضیح قابل درک و منسجم آن در ارتباط است. دومین هدف است که جزء انگیزشی معنا در زندگی است که یک سازمان دهنده درونی است، سازماندهی و برانگیزندگی به سوی هدفها را ایجاد می‌کند و از این طریق احساس معنا را بوجود می‌آورد. سومین جزء اهمیت است که مولفه ارزیابی معنای زندگی است و میزانی است که افراد احساس می‌کنند که وجودشان دارای اهمیت و ارزش است.

مردم در فرهنگ‌های مختلف ممکن است در حوزه‌های متعدد زندگی، معنای زندگی را جستجو و پیداکنند. منابع معنا دار زندگی زمینه‌ها و حوزه‌هایی از زندگی هستند که افراد بر این باورند که می‌توانند از طریق آنها زندگی خود را معنادار کنند (اسکنل^۴، ۲۰۱۱). تلاش‌هایی مختلفی انجام گرفته تا منابع مهم معنا در فرهنگ‌های مختلف شناسایی شوند. در ادامه به برخی از این منابع که سازه‌های اجتماعی شناختی هستند اشاره می‌شود.

فرهنگ، جنس و سن در فرآیندهای اساسی معنا در زندگی دخالت دارند (استگر، کواباتا، شیمای و اوتاگا^۵، ۲۰۰۸). از عناصر و مولفه‌های مهم فرهنگی و اجتماعی دین و دینداری می‌باشد. باورهای دینی عنصر مشترک و مرکزی نظام‌های معناداری بسیاری از افراد هستند (ایمونز، ۲۰۰۵؛ پارک^۶، ۲۰۱۳). دین می‌تواند فرد را با مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و حسی عمیق از هدف و جهت‌گیری آماده نماید. پژوهشگران دین را به‌عنوان نظام معنایی تعریف کرده‌اند که چگونگی ادراک افراد را نسبت به خود و جهان شکل می‌دهد (پارک، ۲۰۱۳؛ سیلبرمن^۷، ۲۰۰۵). یکی از ویژگی‌های اصلی دین پرداختن به نگرانی‌های وجودی همانند مشکل مرگ، ترس از انزوا، بی‌اساس و بی‌پایه بودن و بی‌معنایی است. دین با وعده حیات ابدی، اتحاد کامل با الوهیت، ارائه کدهای اخلاقی برای

1. Bekenkamp, Groothof, Blomers & Tomic
2. Frankel
3. Martela & Steger
4. Schnell
5. Steger, kovabata, Shimai & Otake
6. Park
7. Silberman

نیکوکاری و عدالت و معنای خاص وابدی دادن به عالم هستی این نگرانی‌ها را کاهش داده است(یالوم، ۱۹۸۰).

حمایت تجربی قابل توجهی برای رابطه بین دین و معنا در زندگی وجود دارد. مطالعات رابطه مثبت وقوی بین معنا در زندگی به صورت خود گزارشی و دینداری درونی را نشان داده اند(استگر، فرازیر، اویشی و کالر، ۲۰۰۶). افراد متدین معمولاً سطح بالایی از معناداری در زندگی را گزارش می‌کنند. این نه تنها یک مشاهده تجربی است بلکه بخشی از فهم ما نسبت به دین نیز هست(پارک، ۲۰۱۳).

دین و دینداری اکثر حوزه‌های زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نمی‌توان آن را جدا از سایر بخش‌های وجودی انسان تلقی نمود. دینداری در ویژگی‌های شخصیتی، حالات روانی، نوع نگرش فرد، باورها و شناخت‌های افراد تاثیر می‌گذارد. شاید بتوان هویت و شخصیت فرد را از جمله مهم ترین بخش‌های زندگی دانست که دین در نحوه شکل‌گیری آن نقش مهمی را ایفاء می‌کند. به عبارتی دیگر یکی از مهم ترین وظایف در دوره نوجوانی شکل دادن احساس پایداری از هویت است(اریکسون، ۱۹۶۸). به‌عنوان بخشی از این فرآیند، نوجوان باید حالت یکپارچه شخصی را در باره موضوعات وجودی از جمله نقش مذهب در زندگی اش ایجاد نماید. با توجه به این تکلیف دوره نوجوانی، دوریز و سوننس^۱ (۲۰۰۴) فرض کرده اند که سبک‌های هویتی که افراد در اواخر دوره نوجوانی شکل می‌دهند، با فرآیندهای مذهبی ارتباط دارند. نظریه هویت برزونسکی^۲ (۲۰۰۳) بر یک دیدگاه شناختی در رشد هویت تاکید دارد، او سه سبک پردازش هویت؛ اطلاعاتی، هنجاری و سردر گم - اجتنابی را مطرح می‌کند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی به‌طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، آنها تلاش می‌کنند تا اندیشه ورز، آگاه و گشوده نسبت به تجارب جدید باشند، به حل مسائل پرداخته و تصمیم‌گیرندگان هوشیاری باشند. اینها افرادی فعال، جستجوگر و ارزیاب هستند. و به‌طور دائم در پی کسب اطلاعات مناسب جهت شکل دهی هویت خود می‌باشند، در تصمیم‌گیری محتاط بوده و دارای تفکری باز، وظیفه شناس و جدی می‌باشد. افراد با سبک هویت هنجاری توقعات و درخواست‌های اطرافیان مهم خود را به اجرا می‌گذارند، افراد با وجدان و همدفداری هستند و نسبت به اطلاعاتی که ممکن است ارزش‌های شخصی آنها را به چالش بکشد کاملاً بسته عمل می‌کنند. ارزش‌هایی را می‌پذیرند که مورد قبول افراد معتبر است و به‌طور معمول تمایلی به دریافت اطلاعات مغایر با ارزش‌های ذهنی خود ندارند. افراد با سبک هویت سردرگم - اجتنابی از یک ساختار هویتی نامنسجم برخوردار هستند و به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرآیند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند. از موقعیت‌هایی که مستلزم تصمیم‌گیری است، اجتناب می‌کنند (سوننس، دوریز و گوسنس^۳، ۲۰۰۵). مطالعات نشان دادند سبک‌های اطلاعاتی و

1. Duriez & Soenens

2. Berzonsky

3. Soenens, Duriez & Goossens

هنجاری به‌طور مثبتی با وجود معنا در زندگی و سبک اطلاعاتی نیز به‌طور مثبتی با جستجوی معنا در زندگی و همچنین سبک پراکنده اجتنابی به‌طور منفی با وجود معنا در زندگی، و به‌طور مثبت با جستجوی معنا در زندگی ارتباط دارد (بیومن و اسکامل^۱، ۲۰۱۲).

نوجوان از زمینه اجتماعی نیز تاثیر می‌پذیرد، بخش مهمی از این زمینه و بافت اجتماعی روش‌های فرزندپروری والدین است که نوجوان رشد شخصی و انتقال‌های زندگی خود را در آن تجربه می‌کند. بامریند^۲ (۱۹۹۱) باتوجه به دو عامل مطالبه‌گری^۳ و پاسخ‌دهی^۴ سه سبک فرزندپروری، مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را معرفی نموده است. او فرزندپروری را فعالیت پیچیده‌ای، شامل روش‌ها و رفتارهایی می‌داند که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می‌گذارند. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. براسای، پیکو و استجر^۵ (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای والدینی (تفاهم یا پاسخ‌دهی از سوی والدین - سخت‌گیری والدین و حمایت اجتماعی آنان) به‌طور چشم‌گیری با معنی در زندگی نوجوانان ارتباط داشتند. این متغیرهای والدینی به‌عنوان شیوه‌های فرزندپروری از آنها یاد می‌شود. والدین مقتدر در عین حال که به نیازهای فرزندان توجه دارند، به بیان انتظارات و توقعات خویش می‌پردازند و قواعد و مقرراتی را نیز اعمال می‌نمایند. والدین مستبد پذیرای نیازهای فرزندان نیستند، اما بر اطاعت از قوانین و مقررات تاکید می‌نمایند. والدین سهل‌گیر هم محبت زیاد و مهار کمی را اعمال می‌کنند.

ون تونجرن و همکاران^۶ (۲۰۱۵) روابط نزدیک را یک منبع مهم معنا در زندگی می‌دانستند. اساسا انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی در روابط نزدیک رشد می‌کند. روابط نزدیک این قابلیت را دارد که به مردم این احساس را بدهد که آنها بخشی از دنیای بزرگتر از خودشان هستند و این کل از مجموع اجزاء بزرگتر است. علاوه بر این شرکت در روابط متقابل که در آن افراد از طریق اقداماتشان تاثیر می‌گذارند و از دیگران نزدیک به خود تاثیر می‌پذیرند، یکی از راه‌های است که مردم احساس می‌کنند که زندگی‌شان مهم و معنادار است.

گروندن و جوز^۷ (۲۰۱۵) نمونه‌ای شامل ۲۴۷ نفر از افراد ۳۰ تا ۶۹ سال را در نیوزیلند بررسی نمودند. هدف آنها مشخص کردن منابع پیش‌بینی‌کننده معنا بود نتایج نشان داد که وجود معنا به وسیله متغیرهای روابط بین فردی و خانوادگی و جستجوی معنا توسط متغیرهای رشد شخصی و دینداری به‌طور مثبتی پیش‌بینی می‌گردد.

1. Beaumont & Scammell
2. Bumrind
3. demandingness
4. responsiveness
5. Brassai, Piko & steger
6. Van Tongerent & et al.
7. Grouden & Jose

لامبرت، استیلمن، بومیستر، فینچم، هیکز و گراهام^۱ (۲۰۱۰) نشان دادند که روابط خانوادگی نسبت به سایر روابط اجتماعی کمک بیشتری به معناداری زندگی افراد می‌کند و منبع چشم‌گیری برای معناداری در زندگی هست. طرد کردن بین فردی اغلب باعث حالت واسازی و احساس بی‌معنایی زندگی است، در حالی که بودن در روابط نزدیک منجر به افزایش احساس معنا می‌شود. آنها هم چنین معتقدند که حمایت و پاسخ‌گویی والدین معنا در زندگی را تقویت می‌کند.

بسیاری از تلاش‌ها برای یافتن منابع معنا در زندگی در فرهنگ‌های دیگر انجام شده است. معنا در درون هر شخص وجود ندارد اما در داخل فرهنگ تولید، توزیع و تکثیر می‌شود (بومیستر^۲، ۱۹۹۱ به نقل از زانگ و همکاران، ۲۰۱۶). هنجارهای فرهنگی و آرمان‌ها یک مدل مشترک از آنچه یک "فرد خوب" و "زندگی خوب" نامیده می‌شود را به وجود می‌آورد. و مشخص می‌کنند که کدام اهداف ارزش‌پیمایی را دارند، چه نوع از زندگی ارزشمند است و چه تجربه‌هایی معنا دار به نظر می‌رسند (چاو و کزبیر^۳، ۲۰۱۳).

نوجوانی یک دوره رشدی برای پرورش دادن معنای زندگی است. ساختن معنی در زندگی خیلی زود شروع می‌شود و نیروی انگیزشی قوی در در دوره نوجوانی می‌باشد (بیومن^۴، ۲۰۰۹). تحقیقات تجربی رابطه نزدیکی بین معنا در زندگی و رشد ویژگی‌های مثبت در دوره نوجوانی را نشان می‌دهند. معنا در زندگی شامل دامنه وسیعی از کارکردهای مثبت روان‌شناختی، بهزیستی روان‌شناختی و نشانگان روانتنی اندک در نوجوانان می‌باشد (براسی، پیکو و استگر، ۲۰۱۱). علی‌رغم اهمیت معنی در زندگی برای نوجوانان جواب این سؤال که چگونه معنی در زندگی بوجود می‌آید مشکل است. مدل‌های تلفیقی از چگونگی رشد معنی در زندگی در طول عمر ارائه شده است. (دیمون، منون و برونک^۵، ۲۰۰۳).

فرای^۶ (۱۹۹۸) می‌گوید: نوجوان باید هم ظرفیت‌های روان‌شناختی (برای مثال مهارت‌های زندگی برای مقابله موثر و سازگارانه با توقعات اجتماعی) و هم ظرفیت‌های اجتماعی (مثلاً در بین همسالان و یا خانواده) را تقویت کند تا به معنی در زندگی دست یابد.

با وجود تحقیقات متعددی که بر روی تجربه معنای زندگی صورت گرفته است، هنوز این سوال وجود دارد که منابع معنابخش به زندگی یک نوجوان چیست؟ مطالعات مختلف صورت گرفته در مورد معنای زندگی، منابع و ابعاد آن بندرت به دوره نوجوانی پرداخته‌اند، در حالی که می‌توان ظهور معنا را به شکل واقعی آن در این مرحله از تحول همراه با شکل‌گیری هویت در فرد ردیابی نمود (براسی، پیکو و استگر، ۲۰۱۲).

1. Lambert, Stillman, Baumeister, Fincham, Hicks & Graham
2. Baumeister
3. Chao & Kesebir
4. Beaumont
5. Damon, Menon & Bronk
6. Fry

داشتن معنا در زندگی مساله‌ای است که در دوره نوجوانی با توجه به مسائل ومشکلات خاص این دوره اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در پژوهش‌های قبلی روی مجموعه‌ای از متغیرها به صورت مجزا کار شده است و بیشتر روابط دو جانبه را بررسی نموده اند. مطالعه حاضر مجموعه‌ای از متغیرها را با هم آزمون می‌کند. با توجه به مبانی نظری موجود، در این پژوهش سبک‌های هویت، به عنوان میانجی بین دینداری و شیوه‌های فرزندپروری با معنا در زندگی در نظر گرفته شد. به طور کلی سوال اساسی این بود که آیا دینداری و شیوه‌های فرزندپروری با میانجیگری سبک‌های هویت، معنا در زندگی را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش

در این پژوهش از روش همبستگی استفاده شد. در این مرحله مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون چند متغیری در مدل‌یابی معادلات ساختاری به گونه همزمان مورد ارزیابی قرار گرفتند. به منظور تبیین معنای زندگی برپایه مدل‌یابی، مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم دوره متوسطه دوم شهر ایلام به تعداد ۴۴۷۶ نفر بود که در ۲۰ آموزشگاه به تحصیل اشتغال داشتند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نمونه‌ای به تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین آنها توزیع شد.

ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه معنای زندگی^۱: مقیاس معنای زندگی توسط استگر، فریزر، اوپیشی و کالر (۲۰۰۶) جهت ارزیابی وجود معنا وتلاش برای یافتن معنا ارائه شده و اعتبار و پایایی و ساختار عاملی آن در پژوهش‌های مختلف با نمونه‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. مقیاس معنای زندگی شامل دو زیر مقیاس است که وجود معنا در زندگی و نیز جستجو برای یافتن معنا را ارزیابی می‌کند. مجموع نمرات سوال‌های ۲، ۳، ۷، ۸ و ۱۰ میزان تلاش فرد برای یافتن معنا و مجموع نمرات سوال‌های ۱، ۴، ۵، ۶ و ۹ میزان حضور معنا در زندگی فرد را مشخص می‌کنند. پایایی باز آزمایی با فاصله زمانی یک ماه برای زیر مقیاس‌های وجود معنا و جستجوی معنا به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۳ است (استگر وهمکاران، ۲۰۰۶). سازندگان آزمون روایی همگرا با (آزمون‌های رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و عوامل شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری) و واگرا با (آزمون‌های افسردگی، عاطفه منفی و نوروژ گرای) را بررسی کرده و روایی خوبی برای آن گزارش داده اند. همچنین ضریب همسانی درونی هر دو زیر مقیاس وجود و جستجوی معنا به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۸ بوده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) با روش بازآزمایی و با فاصله زمانی ۱۵ روز برای زیر مقیاس وجود معنا پایایی ۰/۷۹ و برای زیر مقیاس جستجوی معنا ۰/۷۱ را گزارش داده اند. در مطالعه حاضر

آلفای کرونباخ محاسبه شده برای زیر مقیاس وجود معنا $0/83$ و برای جستجوی معنا $0/78$ بود. در این پژوهش روایی پرسشنامه از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

ب) پرسشنامه دینداری^۱: این پرسشنامه توسط گلاک و استارک^۲ (۱۹۶۵) ساخته شده است. دارای ۲۶ گویه است که در چهار بعد اعتقادی با (۷ گویه)، عاطفی با (۶ گویه)، پیامدی با (۶ گویه) و مناسکی با (۷ گویه) جهت سنجش میزان دینداری به کار می‌رود. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی (کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف) را در بر می‌گیرد و ارزش‌های هر گویه بین صفر تا چهار متغیر می‌باشد. سراج زاده و رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه را $0/90$ ، بعد اعتقادی $0/90$ ، بعد تجربی $0/81$ ، بعد پیامدی $0/74$ و بعد مناسکی $0/88$ به دست آورد. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه $0/84$ ، بعد اعتقادی $0/74$ ، بعد عاطفی $0/73$ ، بعد پیامدی $0/64$ و بعد مناسکی $0/68$ محاسبه شد و روایی از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

ج) پرسشنامه سبک‌های هویت^۳: پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی - اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. بر اساس دیدگاه برزونسکی نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سؤال است که ۱۱ سؤال به سبک هویت اطلاعاتی، و ۹ سؤال به سبک هویت هنجاری و ۱۰ سؤال به سبک سردرگم/اجتنابی می‌شوند. سوالات ۲۰، ۱۴، ۱۱، ۲= تا حدودی موافق = ۳، موافق = ۴، کاملاً موافق = ۵) نمره گذاری می‌شوند. سوالات ۲۰، ۱۴، ۱۱، ۹ به‌طور معکوس نمره گذاری می‌شوند در پژوهش کراستی، رایینی، برزونسکی و میوز^۴ (۲۰۰۹) ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم - اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب $0/64$ ، $0/58$ ، $0/75$ و $0/72$ به دست آمد. آقاجانی (۱۳۸۱) پرسشنامه مذکور را هنجاریابی و ضریب آلفای سبک اطلاعاتی را $0/67$ ، سبک هنجاری را $0/53$ و سبک سردرگم را $0/54$ به دست آورد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی به ترتیب $0/70$ ، $0/72$ ، و $0/66$ محاسبه گردید. هم‌چنین روایی پرسشنامه از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

1. Religiosity Questionnaire
2. Glok & Stark
3. Identity Styles Inventory
4. Crocetti, Rubini, Berzonsky & Meeus

د) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری^۱: دایانا بامریند (۱۹۷۳) فرم اولیه این پرسشنامه را که دارای ۳۰ گویه است، طراحی و ساخته است. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسش‌های شماره ۲۸، ۱۴، ۱۳ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی‌شوند. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. در مقابل هر عبارت گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم برای ارزش‌گذاری وجود دارد. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری و اقتدار منطقی دارد. و شیوه سهل‌گیرانه رابطه معنی‌داری با شیوه قاطعانه نداشت. پودینه و همکاران (۱۳۹۵) برای تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ به دست آوردند. در این مطالعه مقدار ضریب آلفای محاسبه شده برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ و برای سبک مستبدانه ۰/۷۷، سبک مقتدرانه ۰/۸۳ و سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۸ محاسبه شد و روایی پرسشنامه از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

یافته‌ها

در این پژوهش از تکنیک الگوسازی معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های مرتبه اول وارد مدل شدند. مفروضه‌های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت. به خصوص هم پوشانی متغیرهای مستقلی که واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. یک شاخصی که در این مورد استفاده شده همبستگی بین متغیرهای موجود در مدل بوده که در جدول شماره یک آورده شده است. همبستگی پایین و متوسط بین متغیرها نشان می‌دهد که هم خطی پایین است. هم چنین از تکنیک خودگردان‌سازی^۲ که نیاز به پیش فرض‌های توزیعی ندارد برای تعیین معناداری و فاصله اطمینان اثرات مستقیم، غیر مستقیم، کل و میانجی استفاده گردید.

جدول ۱. همبستگی درونی متغیرهای پژوهش و سطوح معنی‌داری آنها

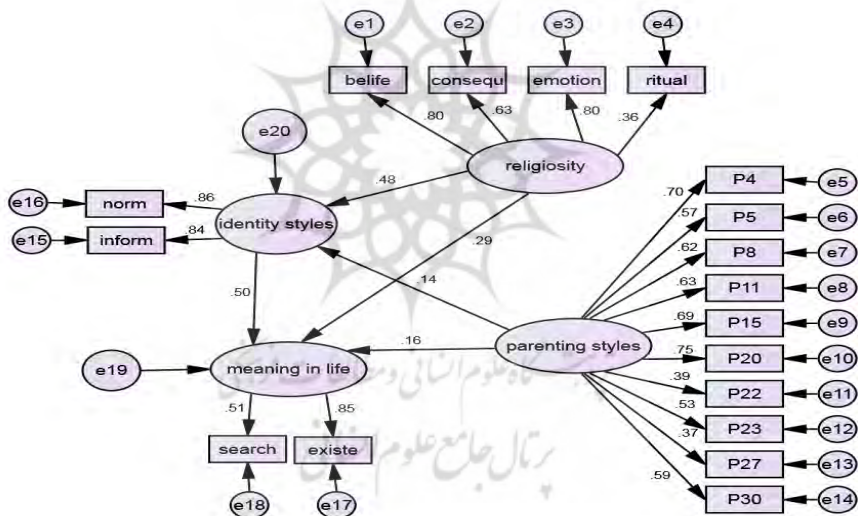
ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	اعتقادی	-								
۲	عاطفی	**۰.۶۶۴								
۳	پیامدی	**۰.۴۷۸	**۰.۴۹۹							
۴	مناسکی	**۰.۲۲۰	**۰.۲۲۸	**۰.۴۲۹						
۵	هویت	**۰.۲۲۳	**۰.۳۴۵	**۰.۲۰۱	**۰.۳۳۶					

1. Parenting Styles Questionnaire
2. Bootstrapping

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	هنجاری									
۶	هویت اطلاعاتی	**۳۱۰.	**۳۳۱.	**۲۲۵.	**۳۱۳.	**۱۲۰.				
۷	جستجوی معنا	**۳۲۲.	**۱۸۸.	**۲۲۱.	۱۳۳.	**۳۲۵.	**۳۱۹.			
۸	حضور معنا	**۴۰۰.	**۳۴۱.	**۲۹۹.	**۳۲۹.	**۴۹۹.	**۴۷۸.	**۴۴۰.		
۹	شیوه فرزندپروری	۰۱۲۸	-۸۴.	**۲۳۳.	*۱۵۰.	*۱۵۱.	*۱۶۲.	۱۳۱.	**۲۴۶.	

* $p < /0.05$ ** $p < /0.01$

به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده گردید. متغیرهای پژوهش به‌صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل شدند. برآوردهای مربوط به پارامترهای اصلی در شکل شماره یک آمده است.



نمودار ۱. مدل تجربی پژوهش رابطه متغیرهای دینداری و شیوه‌های فرزند پروری با معنای زندگی مبتنی بر میانجیگری سبک‌های هویت

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های	X2	DF	CMIN/DF	CFI	PCFI	RMSEA	IFI
برازش مدل	۳۳۱/۲۱۲	۱۳۰	۱/۷۷۹	۰/۹۱	۰/۷۷۳	۰/۰۶۳	۰/۹۱

زمانی که از الگوی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، یک مولفه مهم تحلیل، ارزیابی چگونگی برازش مدل فرضیه‌ای با داده‌های مشاهده شده است. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل در جدول شماره ۲ با مد نظر قرار دادن دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع بیانگر این است که داده‌های پژوهش، مدل تدوین شده را حمایت می‌کنند و به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است. همه شاخص‌ها در دامنه مطلوب و دلالت بر مطلوبیت مدل دارند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود.

جدول ۳. اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

معنی‌داری	کران پایین	کران بالا	وزن رگرسیونی	اثرات متغیرها
۰/۰۰۲	۰/۰۴۱	۰/۵۳۸	۰/۲۹	دینداری ← معنا در زندگی
۰/۰۰۱	۰/۲۴۴	۰/۶۶۸	۰/۴۸	دینداری ← سبک هویت
۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	۰/۷۲۰	۰/۵۰	سبک هویت ← معنا در زندگی
۰/۰۰۲	۰/۰۴	۰/۳۲۲	۰/۱۶	فرزندپروری ← معنا در زندگی
۰/۰۶	۰/۰۱۹	۰/۳۴۴	۰/۱۴	فرزندپروری ← سبک هویت

برآورد‌های مربوط به پارامترهای اصلی مدل در جدول ۳ گزارش شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که اثر مستقیم متغیرهای دینداری، شیوه‌ی فرزندپروری و سبک‌های هویت بر متغیر معنا در زندگی از لحاظ آماری معنادار است. نتایج روش خودگردان‌سازی با تعداد نمونه‌گیری (۵۰۰۰) نشان می‌دهد که در فاصله اطمینان ۰/۹۵ نتایجی که در میان نمونه آماری مشاهده می‌شود در جامعه آماری هم وجود دارد. با توجه به اطلاعات جدول تاثیر شیوه فرزندپروری روی متغیر سبک هویت معنا دار نمی‌باشد و بین کران بالا (۰/۳۴۴) و کران پایین (۰/۰۱۹) صفر قرار می‌گیرد بنابراین نمی‌توان ضریب تأثیری که در نمونه به دست آمده است را در جامعه آماری مشاهده نمود. با مد نظر قرار دادن ضرایب تأثیر مربوط به هریک از این متغیرها می‌توان گفت که افزایش میزان آنها، افزایش معنا در زندگی را به دنبال دارد.

جدول ۴. اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش

معنی‌داری	کران پایین	کران بالا	وزن رگرسیونی	اثرات متغیرها
۰/۰۰۰۱	۰/۱۱۷	۰/۴۴۲	۰/۲۳۷	اثر غیر مستقیم دینداری ← معنا در زندگی
۰/۰۷	۰/۰۰۶	۰/۲۱۳	۰/۰۶۰	اثر غیر مستقیم فرزندپروری ← معنا در زندگی
۰/۰۰۱	۰/۲۹۲	۰/۷۱۹	۰/۵۱۸	اثر کل دینداری ← معنا در زندگی
۰/۰۱	۰/۰۵۵	۰/۴۱۶	۰/۲۰۸	اثر کل فرزندپروری ← معنا در زندگی

برای بررسی اثر میانجی باید ابتدا روابط متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی کرد. بدون حضور متغیر میانجی تأثیر متغیر دینداری روی معنا در زندگی ۰/۵۵ و متغیر شیوه فرزندپروری ۰/۲۴ بود. با ورود متغیر میانجی یعنی سبک هویت به مدل اثر دینداری به ۰/۳۵ و فرزندپروری به ۰/۱۸ کاهش

یافت. یعنی به ترتیب کاهش ۰/۲۰ و ۰/۶ را به دنبال داشت. زمانی که اثرات متغیرهای مستقل از طریق متغیر میانجی اعمال گردید، این کاهش اثر در مورد متغیر دینداری به ۰/۲۷ نیز رسید. کاهش اثرات متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته شرایط را برای انجام محاسبات میانجی مهیا نمود. یافته‌های جدول ۴ در رابطه با اثر غیرمستقیم متغیرهای دینداری و شیوه فرزندپروری بر معنا در زندگی در صورتی که متغیر سبک هویت میانجی باشد، نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم دینداری بر معنا در زندگی به لحاظ آماری معنا دار است. نتایج روش خودگردان‌سازی نشان می‌دهد که در فاصله اطمینان ۰/۹۵ صفر بین دو حد بالا (۰/۴۴۲) و پایین (۰/۱۱۷) قرار نمی‌گیرد، بنابراین اثر غیر مستقیم معنادار بوده و متغیر سبک هویت در رابطه بین دینداری و معنا در زندگی نقش میانجی دارد. با توجه به این که متغیر دینداری به‌طور مستقیم دارای اثر معنادار بر متغیر معنا در زندگی است، در نتیجه متغیر سبک هویت در رابطه بین دینداری و معنا در زندگی نقش میانجی کامل را ندارد چون همه اثرات متغیر دینداری از طریق متغیر سبک هویت منتقل نمی‌شود. بر اساس اطلاعات جدول ۴ اثر غیر مستقیم شیوه فرزندپروری از طریق متغیر میانجی سبک هویت معنا دار نیست ($p > 0.05$). در این مطالعه اثرات کل متغیرهای مستقل یعنی دینداری و شیوه فرزند پروری بر متغیر معنا در زندگی معنا دار بود. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که متغیر میانجی انتقال دهنده کلیه اثرات متغیرهای مستقل نبوده و تنها بخشی از اثرات این متغیرها را منتقل می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین نقش میانجی‌گری سبک‌های هویت در رابطه بین دینداری و شیوه‌های فرزندپروری با معنای زندگی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش از نقش میانجی سبک‌های هویت بین دینداری با معنای زندگی حمایت کردند. دینداری به‌عنوان یک متغیر مستقل به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق سبک‌های هویت بر میزان معناداری موثر است. به عبارت دیگر افزایش میزان دینداری بر معناداری تاثیر گذار است. این نتایج با یافته‌های پارک (۲۰۱۳)، تیلیون و بلوگمیدی (۲۰۰۹)، استگر، فرازیر، اویشی و کالر (۲۰۰۶) و سیلبرمن (۲۰۰۵) که عنوان نموده اند بین دینداری و معنای زندگی رابطه وجود دارد، هماهنگ است. جامعه‌شناسان دین به‌صورت کلی بر این باورند که دین برای انسان‌ها می‌تواند چارچوبی منظم خلق کند که کل هستی در این چارچوب قابل تفسیر باشد. دین در سطح فردی دارای کارکردهایی نظیر؛ دادن معنا و هدف به زندگی، ایجاد احساس آرامش در فرد، تثبیت احساس تعلق فرد به جامعه، ایجاد نظامی از ارزش‌های اخلاقی برای فرد و تشکیل هویت فردی است. تمامی این کارکردها بر احساس معنا در زندگی موثر هستند. بر اساس الگوی گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) از چهار بعد اعتقادی، عاطفی و تجربی، پیامدی و مناسکی برای سنجش دینداری در این پژوهش استفاده شد. از بین این ابعاد چهارگانه بعد اعتقادی و

تجربی دارای بیشترین بار عاملی و بعد مناسکی دارای کمترین بار بود. با توجه به این یافته به نظر می‌رسد آن جنبه از دین که کارکرد معنا بخشی بیشتری در دوره نوجوانی دارد باورها و عواطف دینی هستند که ناظر به اعتقاد به خداوند، روز قیامت و احساس آرامش روانی انسان می‌باشند. چون در مساله معنا نوجوانان معماها و سوالات زیادی در باره جهان آفرینش دارند و به دنبال منابیی برای پاسخ گویی به آن سوالات هستند و از این طریق نظمی را بر جهان حاکم می‌کنند بنابراین باورها و اعتقادات دینی می‌توانند در این خصوص نقش مهمی را ایفا نمایند به همین خاطر است که همبستگی بعد اعتقادی با معنای زندگی بیشتر است. این موضوع در روان‌شناسی اجتماعی و نظریه نگرش‌ها تحت عنوان تفاوت میان بعد شناختی با بعد رفتاری انسان مطرح است. به عبارت دیگر ابعاد شناختی و عاطفی دینداری بیشتر با مسایل نظری و ابعاد پیامدی و مناسکی با مسایل عملی دین ارتباط بیشتری دارند.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک‌های هویت و معنای زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با پژوهش‌های بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲) و دوریز و همکاران (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. نوجوانی مرحله‌ای است که با تغییرات اساسی درخود و نیز تشکیل یک هویت پایدار همراه است. به اعتقاد اریکسون (۱۹۶۸) مهم ترین هدف دوران نوجوانی رشد یک هویت شخصی است. فرآیند رشد هویت یک فرآیند پیش رونده است که شامل یکپارچه‌سازی آگاهانه اعتقادات فرد راجع به خودش، اعتقاد فرد راجع به این که دیدگاه دیگران در مورد او چگونه است و تعهد نسبت به ارزش‌های شخصی و هدف‌های زندگی است (شوارتز، ۲۰۰۵).

برزونسکی (۲۰۰۳) بر یک دیدگاه شناختی در رشد هویت تا کید دارد. او سه سبک پردازش هویت؛ اطلاعاتی، هنجارس و سردرگم - اجتنابی را مطرح می‌کند. بر اساس مدل برازش شده بین سبک‌های هویت هنجاری واطلاعاتی با معنای زندگی رابطه مثبت معنادار و بین سبک سردرگم - اجتنابی با معنای زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

افرادی که سبک هویت آنها اطلاعاتی است، افرادی جستجوگر و ارزیاب هستند و همواره به دنبال کسب اطلاعات جهت شکل دهی هویت خود می‌باشند. بخش مهمی از اطلاعات نوجوان در این دوره سنی از طریق آموزش‌های دینی و مذهبی در مدارس و سایر نهادهای متولی دین و مذهب ارائه می‌شود. در این پژوهش رابطه بین دینداری و سبک‌های هویت معنادار و دارای بار عاملی متوسطی می‌باشد. با توجه به نقشی که دین در پردازش سبک‌های هویتی نوجوانان دارد، شکل‌گیری هویت‌های سالم در این دوره می‌تواند روی معنای زندگی فرد موثر باشد به همین خاطر در این پژوهش این رابطه از قوت خوبی برخوردار است. بر مبنای نظریه برزونسکی (۲۰۰۳) افراد با سبک هویت اطلاعاتی به صورت نقادانه مسائل مرتبط با مذهب را مورد بررسی قرار می‌دهند تا آنها را با مشخصات شخصی خود مقایسه کنند. نوجوانان دارای کنند، اما افراد با سبک هویت هنجاری حداقل در محیط‌هایی که سنت‌های مذهبی قدرتمندی دارند، مذهبی‌تر هستند.

با تاکید بر مدل این پژوهش یافته دیگر این است که شیوه‌های فرزندپروری با معناداری ارتباط دارد. نوجوان از زمینه اجتماعی نیز تاثیر می‌پذیرد، بخش مهمی از این زمینه و بافت اجتماعی روش‌های فرزندپروری والدین است که نوجوان رشد شخصی و انتقال‌های زندگی خود را در آن تجربه می‌کند، در الگوی بامریند (۱۹۹۱) باتوجه به دو عامل مطالبه‌گری^۱ و پاسخ‌دهی^۲ سه سبک فرزندپروری، مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه معرفی شده است. از بین این سبک‌های مختلف تنها شیوه اقتدار طلبانه با معنای زندگی ارتباط مثبت معنادار دارد. و این یافته با نتایج پژوهش‌های لامبرت و همکاران (۲۰۱۰)؛ براسای، پیکو و استجر (۲۰۱۳) و گروون و جوز (۲۰۱۵) همخوان است. راموس و همکاران (۲۰۱۵) روابط نزدیک را یک منبع مهم معنا در زندگی می‌دانستند. اساسا انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی در روابط نزدیک رشد می‌کند. روابط نزدیک این قابلیت را دارد که به مردم این احساس را بدهد که آنها بخشی از دنیای بزرگتر از خودشان هستند و این کل از مجموع اجزاء بزرگ‌تر است. علاوه بر این شرکت در روابط متقابل که در آن افراد از طریق اقداماتشان تاثیر می‌گذارند واز دیگران نزدیک به خود تاثیر می‌پذیرند، یکی از راه‌های است که مردم احساس می‌کنند که زندگی‌شان مهم و معنادار است.

همان‌طور که لامبرت و همکاران (۲۰۱۰) در مورد تاثیر روابط خانوادگی در معناداری زندگی بیان کردند؛ خانواده این ظرفیت روان‌شناختی را دارد که از طریق اعمال شیوه‌های فرزندپروری سالم و مقتدرانه و ایجاد فضای توأم با احترام و پذیرش و درک همدلانه نسبت به سایر روابط اجتماعی کمک بیشتری به معناداری زندگی افراد بکند. در خانواده‌هایی که افراد روابط نزدیکی با هم دارند، فرزندان به راحتی تعارضات خود را مطرح می‌کنند واز والدین راهنمایی و کمک می‌طلبند. برقراری رابطه با کیفیت با والدین منجر به ایجاد احساس تعلق و عشق در فرزندان می‌شود و این احساس آنان را در داشتن معنا و هدف در زندگی کمک می‌کند.

در سبک مقتدرانه والدین با محبت بوده و رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود دارند. آنها ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات و انتظارات عاقلانه دارند. برای منع رفتار و وادار کردن فرزندان به انجام فعالیت‌های خاصی دلایل روشنی را ارائه می‌دهند. ودر برابر رفتارهای آنان عکس‌العمل مناسب انجام می‌دهند. نوجوانانی که والدین آنها از این سبک تربیتی برخوردارند، احساس اهمیت و ارزش را به نوجوان منتقل می‌کنند در تعریفی که مرتلا و استجر (۲۰۱۶) از معنای زندگی داشته‌اند یکی از مولفه‌های آن را ارزیابی دانسته‌اند که عبارتست از میزانی که افراد احساس می‌کنند وجودشان دارای اهمیت و ارزش است. جورج و پارک (۲۰۱۴)، به نقل از مرتلا و استجر، (۲۰۱۶) استدلال کرده‌اند که موضوع وجود و هستی فرد یک جنبه مهم و محوری در تعریف معنا است و آن عبارت از درجه‌ای که افراد احساس می‌کنند که وجودشان دارای اهمیت و ارزش است. این جنبه از معنا می‌تواند به‌عنوان ارزیابی زندگی فردی تعریف شود. به عبارت دیگر اهمیت به‌عنوان یک

1. demandingness
2. responsiveness

جنبه از معنا در زندگی روی این سوال متمرکز است که چه چیزی منجر به تجربه یک زندگی ارزشمند می‌شود؟ به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌هایی که برای سبک والدینی مقتدرانه ذکر شد این شیوه تربیتی می‌تواند تجربه ارزشمند بودن و اهمیت داشتن را برای نوجوانان به دنبال داشته باشد.

شواهد تجربی نشان می‌دهند که تجربه معنا در زندگی با بهزیستی روان‌شناختی (استگر، اویشی و کاشدان، ۲۰۰۹) هم چنین با کیفیت زندگی و سلامت ارتباط دارد (کراس، ۲۰۰۷). افرادی که خود را دارای مقدار زیادی معنا در زندگی‌شان قلمداد می‌کنند؛ سطوح شادی، رضایت از زندگی (استگر، اویشی و کزبیر^۱، ۲۰۱۱) و خوشبختی کلی و سلامت جسمانی (براسای، پیکو و استگر^۲ ۲۰۱۱) را گزارش می‌نمایند. در روان‌شناسی، معنا در زندگی به‌عنوان پیامدهای قابل توجهی برای عملکرد سالم انسان فهمیده شده است. به‌عنوان مثال بارها ارتباط مثبت درک معنا در زندگی با بهزیستی جسمانی و روان‌شناختی در جمعیت‌های مختلف پیدا شده است، داشتن معنا در زندگی به نظر می‌رسد ارتباط قوی تری با سلامت جسم و روان داشته باشد (استگر، کاشدان، سولیوان و لورنتز^۳، ۲۰۰۸). با توجه به تاثیرات مثبت روان‌شناختی معنا در زندگی می‌توان در دوره نوجوانی روی این مهم تاکید خاص داشت.

با جمع بندی یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دینداری، سبک‌های هویت و شیوه‌های فرزندپروری در احساس معنا داری در زندگی موثر هستند. با توجه به این که نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها به گونه‌ای با نتایج حاصل از پژوهش‌های مشابه همخوانی دارد و از آنجایی که احساس معنا در زندگی نقش مهمی در سلامت روانی و بهزیستی روان‌شناختی فرد دارد، می‌توان بر اساس این متغیرها پیش‌بینی قابل اعتمادی برای معنا در زندگی در دوره نوجوانی ارائه کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مدارس در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود برای دانش‌آموزان و اولیاء روی شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت سالم و آموزش‌های دینی و مذهبی تمرکز نمایند. به دلیل این که این متغیرها سهم مهمی از معنا داری زندگی در دوره نوجوانی را تبیین می‌نمایند و به تبع احساس معنا در زندگی، امید به آینده، تلاش و کوشش جایگزین یاس و ناامیدی خواهد شد، نتیجه این فعالیت کمک به ارتقاء سطح بهداشت روانی نوجوانان می‌باشد. محدودیت این پژوهش گستره جغرافیایی و فرهنگی آن و هم چنین محدود شدن نمونه آماری به دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه است.

منابع

- آقاجانی حسین آبادی، محمدحسن. (۱۳۸۱). هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک‌های هویت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.

1. Steger, Oishi & Kesebir
2. Brassai , Piko & Steger
3. Steger, Kashdan, Sullivan & Lorentz

- احمدی، سمیه؛ حیدری، محمود؛ باقریان، فاطمه؛ کشفی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). نوجوانی و تحول معنا: مقایسه منابع و ابعاد معنای زندگی در دختران و پسران نوجوان. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال ششم، شماره بیست و سوم، ۱۷۷-۱۴۹.
- پودینه، لیلا؛ جناآبادی، حسین؛ پورقاز، عبدالوهاب. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی با جرأت و رزی دانش آوزان. مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی، شماره، ۲۴-۳۸.
- سراج زاده، سیدحسین؛ رحیمی، فرشید. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره بیست و چهارم، ۷-۳۰.
- Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R. M. Lerner, & A. C. Petersen (Eds.), *The encyclopedia on adolescence*. New York: Garland.
- Beaumont, S. L. (2009). Identity processing and personal wisdom: An information-oriented identity style predicts self-actualization and self-transcendence. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9(2), 95-115.
- Brassi, L., Piko, B. F., Steger, M. F. (2013). Individual and parental factors related to meaning in life among Hungarian minority adolescents from Romania. *International Journal of Psychology*, 48, (3), 308-315.
- Bekenkamp, J., Groothof, H. A. K., Blomers, W., & Tomic, W. (2014). The relationship between physical health and meaning in life among parents of special needs children. *Europe's Journal of Psychology*, Vol. 10(1), 67-78.
- Brassai, L., Piko, B. F., & Steger, M. F. (2011). Meaning in life: Is it a protective factor for adolescents' psychological health? *International Journal of Behavior Medicine*, 18, 44-51.
- Baumeister, R. F. (1991). *Meanings of life*. New York, NY: Guilford Press.
- Beaumont, S., & Scammel, J. (2012). Patterns of Spirituality and meaning in life related to identity. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 12, 345-367.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Crocetti, E., Rubini, M., Berzonsky, M. D., & Meeus, W. (2009). Brief report: The identity style inventory validation in Italian adolescents and college students. *Journal of Adolescence*, 32, 425-433.
- Chao, M. M., & Kesebir, P. (2013). Meaning in life: A cultural perspective. In C. Routledge & J. Hicks (Eds.), *The experience of meaning in life: Perspectives from the psychological sciences*. New York, NY: Springer.

- Damon, W., Menon, J., & Bronk, K. C. (2003). The development of purpose during adolescence. *Applied Developmental Science*, 7(3), 119–128.
- Duriez, B. & Soenens, B. (2004). Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 119–135.
- Emmons, R. A., & Paloutzian, R. F. (2003). The psychology of religion. *Annual Review of Psychology*, 54, 377–402.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York, NY: Norton.
- Fry, P. S. (1998). The development of personal meaning and wisdom in adolescence: A reexamination of moderating and consolidating factor and influences. In P. T. P. Wong & P. S. Fry (Eds.), *The human quest for meaning: A handbook of psychological research and clinical application*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Frankl, V. E. (1984). *Man's search for meaning: An introduction to logotherapy*. New York: Simon & Schuster.
- Grouden, M. E., & Jose, P. E. (2015). Do sources of meaning differentially predict search for meaning, presence of meaning, and wellbeing? *International Journal of Wellbeing*, 5 (1), 33-52.
- Hill, P. C., & Pargament, K. I. (2003). Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality. Implications for physical and mental health research. *American Psychologist*, 58, 64-74.
- Krause, N. (2007). Longitudinal study of social support and meaning in life. *Psychology and Aging*, 22, 456 - 469.
- Lambert, N. M., Stillman, T. F., Baumeister, R. F., Fincham, F. D., Hicks, J. A., & Graham, S. M. (2010). Family as a salient source of meaning in young adulthood. *Journal of Positive Psychology*, 5(5), 367–376.
- Martela, F., & Steger, M. F. (2016). The three meanings of meaning in life: Distinguishing coherence, purpose, and significance. *The Journal of Positive Psychology*, 11(5), 531-545.
- Park, C. L. (2013). Religion and meaning. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (2nd ed). New York: Guilford Press
- Schnell, T. (2011). Individual differences in meaning-making: Considering the variety of sources of meaning, their density and diversity. *Personality and Individual Differences*, 51, 667–673.
- Silberman, I. (2005). Religion as a meaning system: Implications for the new millennium. *Journal of Social Issues*, 61, 641–663.
- Steger, M. F., Oishi, S., & Kashdan, T. B. (2009). Meaning in life across the lifespan: Levels and correlates of meaning in life from emerging adulthood to older adulthood. *Journal of Positive Psychology*, 4, 43–52.
- Steger, M. F., Kashdan, T. B., Sullivan, B. A., & Lorentz, D. (2008). Understanding the search for meaning in life: personality, cognitive style, and the dynamic between seeking and experiencing meaning. *Journal of Personality*, 76, 199-228.

- Steger, M. F., Oishi, S., & Kesebir, S. (2011). Is a life without meaning satisfying? The moderating role of the search for meaning in satisfaction with life judgments. *The Journal of Positive Psychology*, 6, 173-180.
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.
- Steger, M. F., Kawabata, Y., Shimai, S., & Otake, K. (2008). The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life. *Journal of Research in Personality*, 42, 660-678.
- Tiliouine, H., & Belgoumidi, A. (2009). An exploratory study of religiosity, meaning in life and subjective wellbeing in Muslim students from Algeria. *Applied Research in Quality of Life*, 4, 109-127.
- Van Tongeren, D.R., Green, J.D., Hook, J.N., Davis, D.E., Davis, J.L. & Ramos, M. (2015). Forgiveness increases meaning in life. *Social Psychological and Personality Science* 2015, 6(1), 47-55
- Yalom, I. D. (1980). *Existential psychotherapy*. New York: Basic Books
- Zhang, H., Sang, Z., Chan, D.K.S., Teng, F., Liu, M., Yu, S., & Tian, Y. (2016). Sources of meaning in life among Chinese university students. *J Happiness Stud*, 17, 1473-1492.

